



اهل سنت؛ جامعه مقصود المیزان در نقد مشرب تفسیری محدثان

مراد علامه طباطبایی از مشرب تفسیری «محدثان» که در تفسیر خود به کلمات صحابه و تابعین قناعت کرده و حجیت عقل و کلام معصوم (ع) را نادیده گرفته‌اند، اهل سنت هستند و محدثان شیعه حجیتی برای کلمات صحابه و تابعین قائل نیستند.

مراد علامه طباطبایی از مشرب تفسیری «محدثان؛ که در تفسیر خود به کلمات صحابه و تابعین قناعت کرده و حجیت عقل و کلام معصوم (ع) را نادیده گرفته‌اند، اهل سنت هستند و محدثان شیعه حجیتی برای کلمات صحابه و تابعین قائل نیستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم یعقوبیان، محقق و نویسنده
حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم یعقوبیان، مدرس حوزه علمیه مشهد، محقق و نویسنده، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در آغاز سخنان خود درباره علامه طباطبایی و روش تفسیری المیزان در بیان وجه تسمیه این تفسیر اظهار کرد: درباره وجه تسمیه «المیزان؛ تا آنجا که بنده دیده‌ام، خود علامه در مقدمه این کتاب چیزی نفرموده‌اند، ولی آنچه که برخی از محققان استفاده کرده‌اند این است که شاید این تسمیه به اعتبار این باشد که کلمات مفسران در این اثر نوعاً در حد اعلا مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

وی افزود: برای مثال «علی‌الوسی؛ نویسنده و محقق عراقی در کتاب «روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان؛ (ص 161) معتقد است که علت این تسمیه شاید آن بوده که ایشان در این کتاب آرا و انظار مفسران و سایر دانشمندان ذکر شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، علامه طباطبایی خود می‌گوید که در موارد بسیاری، آرای مفسران گذشته را درباره يك موضوع ارزیابی کرده و برخی را تأیید و برخی را رد کرده است.

یعقوبیان با اشاره به نکاتی درباره روش تفسیری علامه در المیزان عنوان کرد: مرحوم علامه طباطبایی در مقدمه این کتاب درباره روش خود در تفسیر المیزان توضیحاتی داده و البته این توضیحات مورد نقد و مناقشه هم قرار گرفته است. ایشان در ابتدا پس از ارائه معنای تفسیر آورده‌اند که در صدر اسلام، وقتی صحابه درصدد تفسیر قرآن برآمدند، بیشتر با تکیه بر فرمایشات پیغمبر اکرم (ص) به تفسیر کتاب وحی پرداخته و کلمات قرآن را معنا می‌کردند.

نویسنده کتاب «لوامع‌البیان؛ در تشریح نظر علامه طباطبایی اضافه کرد: در دوره تابعان پاره‌ای روایات مجعوله و اسرائیلیاتی نیز وارد مباحث تفسیری شده است (که ایشان روایاتی در حوزه پیدایش آسمان و زمین و دریا و... را مثال زده‌اند). گسترش دامنه فتوحات اسلامی نیز سبب شده تا مسلمانان با اقوام و فرهنگ‌های دیگر - از جمله مباحث عقلی و فلسفی یونان - آشنا شوند و بحث‌های عقلی و فلسفی نیز به عرصه تفسیر راه یابد.

وی با اشاره به این‌که از دیدگاه علامه طباطبایی همین مسائل باعث شده ایجاد مشارب متعدد تفسیری در طول زمان شد، خاطرنشان کرد: علامه در بیان مشارب و مسالك تفسیری قاعدتاً اولین مشرب تفسیری را مشرب محدثان و اخباری‌ها ذکر می‌کنند. تعبیر ایشان این است که پیشینیان و محدثان و اخباری‌ها وقتی به تفسیر قرآن روی آوردند، به کلمات صحابه و تابعین قناعت کرده و آنچه در کلمات آنان بود، گرفته و در توضیح آیات ذکر می‌کردند و اگر هم روایتی از آنان در توضیح آیه‌ای نمی‌یافتند، بدان ایمان آورده و از توجیه عقلی آن پرهیز می‌کردند.

این محقق بیان کرد: علامه پس از نقل این مطلب می‌گوید که دلیل محدثان به آیه 7 سوره مبارکه آل عمران بود: «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا؛ و آنان با استناد به این آیه معتقد بودند که آیه‌ای که روایتی در باب آن ذکر نشده، ما تنها باید به آن ایمان داشته باشیم و از پیش خود به توجیه عقلی آن مبادرت نکنیم.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که علامه طباطبایی آنان را در این مسئله خطاکار دانسته است، افزود: علامه طباطبایی بر آن است که حتی اگر در ذیل آیه‌ای روایتی نبوده باشد، انسان می‌تواند با تکیه بر عقل و قواعد عقلی نیز آیات را بفهمد. خداوند در قرآن کریم حجیت عقل را تأیید فرموده و آنان می‌توانستند با مراجعه به عقل بسیاری از آیات را بفهمند.

ابراهیم یعقوبیان:

در مقام دفاع از علامه باید گفت که قطعاً منظور ایشان از محدثین، محدثین شیعه نبوده است؛ چون تفسیر مأثور، معمولاً از رهگذر اهل سنت نقل شده است و با قرائن و شواهد فهمیده می‌شود که مرحوم علامه طباطبایی به جریان تفسیری روایی غالب اشاره کرده و این جریان نیز معمولاً جریان اهل سنت را شامل می‌شود.

وی در تشریح این موضوع از دیدگاه علامه طباطبایی گفت: رجوع محدثان شیعه به کلام اهل بیت (ع) نیز دلیل دارد و آن حدیث شریف ثقلین پیامبر اکرم (ص) است و عترت در کنار قرآن و ثقل اکبر، مفسر قرآن است. ملا امین استرآبادی که به رئیس اخباریون معروف است، در کتاب 171#& الفوائد المدنیة؛ در پنج صفحه روایاتی را نقل کرده‌اند که استفاده از آیات قرآن منهای رجوع به روایات اهل بیت عصمت و طهارت (ع) جایز نیست؛ چه این‌که ما قدرت فهم این آیات را نداریم.

یعقوبیان تشریح کرد: برخی در این مسئله به علامه طباطبایی اعتراض کرده‌اند که این سخن علامه در خطاکار دانستن محدثان و تعطیل عقل از سوی آنان و نادیده گرفتن حجیت آن، سخن درستی نیست و محدثان چنین سخنی نگفته‌اند. به عقیده معترضان اگر مراد علامه اهل سنت بوده‌اند که اصلاً ما کاری با آنان نداریم و اگر مراد ایشان محدثان شیعه بوده‌اند، اینها به کلام اهل بیت (ع) رجوع می‌کنند و کلام صحابه و تابعان حجیتی برایشان ندارد.

وی در بیان اشکالاتی که درباره این موضوع به علامه طباطبایی گرفته‌اند، عنوان کرد: درباره این موضوع چند اشکال به کلام علامه طباطبایی شده است؛ نخست آن‌که علامه گفته است که محدثان تنها به کلمات صحابه و تابعین مراجعه می‌کنند و به عقل بها نمی‌دهند. برخی بر این سخن اشکال گرفته و گفته‌اند که مراد از محدثان کدام دسته از محدثان هستند؟ اگر مراد شما محدثان شیعه باشد که آنان به کلام صحابه و تابعین نگاه نمی‌کنند. محدثان شیعه اصلاً کلام غیر معصوم را حجت نمی‌دانند و صحابه و تابعین نیز معصوم نبودند تا محدثان شیعه بخواهند در فهم قرآن به روایات آنان رجوع کنند.

این مدرس حوزه علمیه در تشریح این مطلب ادامه داد: اگر مراد از محدثان، محدثان شیعه باشد، این کلام، کلام تامی نیست و بلکه خلاف مکتب اهل بیت (ع) است که محدثان و بزرگان شیعه کلمات اهل بیت (ع) را نادیده گرفته و به کلمات صحابه و تابعین رجوع کنند؛ بنابراین از منظر معترضان، این سخن علامه که محدثان فقط به روایاتی که از صحابه و تابعین رسیده اکتفا می‌کنند، سخن تامی نیست.

وی تصریح کرد: در مقام دفاع از علامه باید گفت که قطعاً منظور ایشان از محدثان، محدثین شیعه نبوده است؛ چون تفسیر مأثور، معمولاً از رهگذر اهل سنت نقل شده و تفاسیر مأثور شیعه (لا اقل آنچه که بر جای مانده) متعلق به دوران متأخر است و با قرائن و شواهد فهمیده می‌شود که مرحوم علامه طباطبایی به جریان تفسیری روایی غالب اشاره کرده و این جریان نیز معمولاً جریان اهل سنت را شامل می‌شود که به حدیث معروف شده‌اند.

این محقق و پژوهشگر با بیان این‌که واژه 171#& محدثون؛ در کلام علامه طباطبایی بیشتر ناظر به آن واژه کلامی و طائفه 171#& اهل حدیث؛ است، خاطرنشان کرد: مراد از اهل حدیث طایفه‌ای از اهل سنت هستند که بیشتر به کلمات صحابه و تابعان استناد می‌کنند؛ وگرنه محدثان شیعه نوعاً به روایات اهل بیت (ع) مراجعه می‌کنند و به کلمات صحابه و تابعین کاری ندارند.

وی ادامه داد: قید 171#& من الصحابة و التابعین؛ به خوبی نشان می‌دهد که نظر علامه بیشتر ناظر به اهل حدیث و نه اخباریون شیعه است و اگر هم ناظر به اخباری‌های شیعه باشد، مراد آن گروهی از متعصبان آنهاست که فقط بر ظواهر الفاظ آیات جمود دارند و حتی هرگونه تعمقی در آیات را نفی می‌کنند و از همین روی باید گفت که مطلق محدثان شیعه مورد نظر علامه نبوده است.